



درس هجدهم (خوان عدل)

فاطمه معزی



شرق از آن خداست / غرب از آن خداست / و سرزمین های شمال و جنوب نیز / آسوده در دستان خداست

- **قلمرو زبانی:** از آن: مال، متعلق به
- **دستور:** سه جمله ساده / **زمان افعال:** است (مضارع اخباری) در هر سه / **ترکیب اضافی:** سرزمین های شمال / سرزمین های جنوب / دستان خدا
- **قلمرو ادبی:** مجاز دستان (قدرت) / **تلمیح:** « فاینما تولوا فثم وجه الله » / **تناسب:** شرق و غرب و شمال و جنوب و **مجاز:** کل جهان / **واج آرای:** واج «س» / **کنایه:** در دستان کسی بودن (تحت اختیار بودن) و **تکرار**
- **قلمرو فکری:** تمام جهان در اختیار خدا و او دارای صفت مالکیت، خالقیت و قدرت است



- اوست که عادل مطلق است/ و خوان عدل خود را بر همگان گسترده/ باشد که از میان اسمای صدگانه اش / او را به همین نام بستاییم / آمین
- **قلمرو زبانی:** عادل: دادگر / مطلق: بی شرط و قید / خوان: سفره / باشد: امید است که (شبه جمله) / اسما: اسم ها، نام ها (جمع) / آمین: اجابت کن، بپذیر
 - **دستور: دو جمله ی اول ساده** (و) حرف ربط هم پایه ساز / فعل **[است]** در جمله دوم به قرینه لفظی حذف شده/ جمله ی مرکب: باشد (شبه جمله و هسته) / (که) حرف ربط وابسته ساز/ از میان.....بستاییم (جمله وابسته) / آمین (شبه جمله)
 - **زمان افعال:** / است (مضارع اخباری) / بستاییم (مضارع التزامی)
 - **ترکیب وصفی:** عادل مطلق / همین نام / اسمای صدگانه (صفت نسبی) و «ش» در نقش **مضاف الیه** (اسمای او) و خوان عدل / عدل خود (**ترکیب اضافی**)
 - **قلمرو ادبی:** تشبیه: خوان عدل / جناس اشتقاق: عادل و عدل / تلمیح: آیاتی که عادل بودن خدا را می رساند/ **تناسب:** خوان و گستردن / **کنایه** خوان گستردن (بخشنده بودن)
 - **قلمرو فکری:** ستایش عدل خداوند



اگر فکر و حواسم این جهانی است/ بهره ای والاتر از بهر من نیست / روح را خاک نتواند
مبدل به غبارش سازد / زیرا هر دم به تلاش است تا که فرا رود

• **قلمرو زبانی:** بهره: سهم، نصیب / والاتر: عالی تر / مبدل: دگرگون / دم: لحظه / فرا: بالا / از بهر:
برای حرف اضافه مرکب / نیست: وجود ندارد

• **دستور:** ۱- **جمله ی مرکب:** اگر (حرف ربط وابسته ساز) / فکر و حواسم این جهانی است (جمله
وابسته) / بهره ای والاتر از بهر من نیست (جمله هسته) ۲- **جمله ی مرکب:** روح را خاک نتواند مبدل
به غبارش سازد (جمله هسته) / (زیرا) حرف ربط وابسته ساز / هر دم به تلاش است تا که فرا
رود (جمله وابسته) / «ش» در غبارش نقش **مفعولی**

• **زمان افعال:** / است و نیست (مضارع اخباری) / نتواند و سازد و فرا رود (مضارع التزامی) /

• **قلمرو ادبی:** **تشخیص:** خاک نمی تواند / **مجاز** خاک (عالم ماده) / **استعاره:** غبار (چیزی

ارزش) / **مراعات:** خاک و غبار / **جناس ناهمسان:** بهره و بهر / فکر و حواس / **مجاز:** دم (لحظه)

• **قلمرو فکری:** تلاش روح برای بازگشت به عالم معنوی و بی تاثیر بودن عالم ماده بر آن



هر نفسی را دو نعمت است: / دم فرو دادن و برآمدنش / آن یکی ممد حیات است / این یکی مفرح ذات / و چنین زیبا، زندگی درهم تنیده است / و تو شکر خدا کن، به هنگام رنج / و شکر او کن، به وقت رستن از رنج

- **قلمرو زبانی:** دم: نفس / فرو دادن: فرو بردن / برآمدن: بیرون دادن / ممد: مدد دهنده، یاری کننده / حیات: زندگی / مفرح: شادی بخش / ذات: وجود / درهم تنیده: به هم آمیخته / رستن: رها شدن / را (مالکیت یا تبدیل فعل) هر نفسی دو نعمت دارد.
- **دستور: زمان افعال:** است (مضارع اخباری) / تنیده است (ماضی نقلی) / کن (فعل امر)
- **ترکیب وصفی:** هر نفس / دو نعمت / آن یکی / این یکی / چنین زیبا / **ترکیب اضافی:** برآمدنش / ممد حیات / مفرح ذات / شکر خدا / شکر او
- **قلمرو ادبی:** سجع: حیات / ذات / تضاد: فرو دادن و برآمدن / تلمیح: به آیات شکرگزاری خداوند / و اقتباسی از دیباچه گلستان سعدی
- **قلمرو فکری:** شکرگزاری خداوند در همه حالات زندگی ، چه رنج و چه خوشی



و چنین زیبا، زندگی در هم تنیده است / و تو شکر خدا کن، به هنگام رنج / و شکر او کن، به وقت
رستن از رنج

• **قلمرو زبانی:** بهره: سهم، نصیب / والاتر: عالی تر / مبدل: دگرگون / دم: لحظه / فرا: بالا /
از بهر: برای حرف اضافه مرکب / نیست: وجود ندارد

• **دستور: ۱- جمله ی مرکب:** اگر حرف ربط وابسته ساز / فکر و حواسم این جهانی
است (جمله وابسته) / بهره ای والاتر از بهر من نیست (جمله هسته) **۲- جمله ی مرکب:** روح
را خاک نتواند مبدل به غبارش سازد (جمله هسته) / (زیرا) حرف ربط وابسته ساز / هر دم
به تلاش است تا که فرا رود (جمله وابسته)

• **زمان افعال:** / است و نیست (مضارع اخباری) / **ترکیب وصفی:** اسمای صدگانه (صفت
نسبی)

• **قلمرو ادبی:** **تشبیه:** خاک نهی تواند / خاک **مجاز** از عالم ماده / **استعاره:** غبار چیز بی
ارزش / **مراعات:** خاک و غبار / **جناس:** بهره و بهر / فکر و حواس / دم **مجاز** لحظه

• **قلمرو فکری:** تمام جهان در اختیار خدا و او دارای صفت مالکیت، خالقیت و قدرت
است



بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم / تو در کلبه و خیمه خود باز بمان / بگذار که
سرخوش و سرمست به دور دست‌ها روم / و بر فراز سرم هیچ جز اختران نبینم

• **قلمرو زبانی:** زین: از چرم ساخته شده و بر روی اسب می‌گذارند / معتبر: ارزشمند / اختران: ستارگان / فرا: بالا / سرمست: شادمان / سرخوش: شادمان / نیست: وجود ندارد

• **دستور:** جمله ی مرکب: بگذار (جمله هسته) / [که] محذوف حرف ربط وابسته ساز / بر پشت زین خود معتبر بمانم (جمله وابسته) / جمله ساده: تو در کلبه و خیمه خود باز بمان / جمله ی مرکب: بگذار (جمله هسته) / که (حرف ربط وابسته ساز) / سرخوش و سرمست به دور دست‌ها روم (جمله وابسته) / و بر فراز سرم هیچ جز اختران نبینم (معطوف به جمله وابسته)

• **زمان افعال:** / بمانم (مضارع التزامی) / باز بمان (فعل امر) / روم و نبینم (مضارع التزامی) /

• **قلمرو ادبی:** کنایه: بر پشت زین ماندن (از آماده حرکت شدن) / استعاره: کلبه و خیمه (جهان مادی) / جناس ناهمسان: برو سر / واج آرای: واج «س»

• **قلمرو فکری:** دو تفکر: ۱- حرکت به سوی جهان ناشناخته ۲- بی‌حرکی و سکون



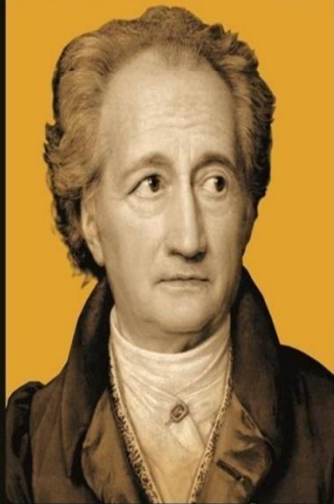
او اختران را در آسمان نهاده / تا به پرو و بحر نشانمان باشد / تا نگه به فرازها دوزیم / تا از این ره لذت اندوزیم

- **قلمرو زبانی:** اختر: ستاره / نهادن: قرار دادن بر: خشکی / بحر: ادريا / نگه دوزیم: خیره شویم / فراز: بلندی / اندوزیم: جمع کنیم
- **دستور:** جمله ی مرکب: او اختران را در آسمان نهاده [است] (جمله هسته) / (تا) حرف ربط وابسته / سه جمله بعد (جمله وابسته) / فعل است به قرینه معنوی حذف شده
- **زمان افعال:** نهاده است (ماضی نقلی) / باشند (مضارع اخباری) / نگاه بدوزیم و اندوزیم (مضارع التزامی) /
- **قلمرو ادبی:** تضاد: پرو و بحر / تضاد: پرو و آسمان / کنایه: نگاه دوختن (با دقت نگاه کردن) /
- **مراعات:** اختر و آسمان و فراز / تلمیح: «هو الذی جعل النجوم لتهتدوا بها فی ظلمات البر و البحر»
- **قلمرو فکری:** ستارگان برای راهنمایی ما آفریده شده اند



دیوان غربی شرقی

یوهان ولفگانگ فون گوته



محمود حدادی

